

فرض کنید، شاید درك کنید!

فرض کنید که رضاخان اصالتاً یک ترک قفقازی بود و بعد از قلع و قمع کردن مخالفان و پیروزی بر رقبای داخلی و برقراری نظم! در کشور، نام کشور را به جای ایران می گذاشت «توران»، چه اتفاقی می افتاد؟

به دلیل آنکه تمام شهروندان «توران» باید «ترک» خوانده شوند، همه فارسیها نیز ترک محسوب می شدند و یا ترکهایی محسوب می شدند که زبانشان پس از حمله سامانیان فارس زبان شده اند و «ترک کویری» نامیده می شدند.

چه اتفاقی می افتاد اگر می گفتند که در «توران» هیچ فارسی وجود ندارد و همه شما ترک هستید و کسانی که خود را فارس می شمارند در واقع یکی از اقوام اصیل ترک هستند که زبانشان فارسی شده است؟

اگر در مدارس به شما می گفتند که ترکها صاحبان اصلی توران و دارای تاریخی ۸۵۰۰ ساله اند و سومرها، مانناها، اورارتوها و ... اجداد واقعی ترکها هستند و در کتابهای درسی از شجاعت و قهرمانی امپراطوران ترک تمجید می شد، چه اتفاقی می افتاد؟

اگر انتخاب اسم‌هایی همچون هوشنگ، داریوش، مهشید، هنگامه، بیژن، منیژه، تهمینه و... را برای شما ممنوع می‌کردند و مجبورتان می‌کردند اسم‌هایی همچون ایلتریش، ارسلان، اصلان، طغرل، آتیلا، تیمور، باتو، هلاکو، ایسان و ... را برای فرزندانان انتخاب کنید، چه اتفاقی می‌افتاد؟

اگر رادیو و تلویزیون به زبان فارسی را ممنوع می‌کردند و پخش تمام کانال‌های کشور به ترکی می‌بود، چه ؟

اگر مجبور بودید که رمان‌ها، داستان‌ها و شعرهای‌تان را به ترکی بنویسید و تمام روزنامه‌ها و مجلات به زبان ترکی می‌بود، چه؟

اگر در مدارس تنها آموزش به ترکی آزاد بود و فارسی را ممنوع می‌کردند، چه روی می‌داد؟

اگر می‌گفتید «ما فارسیم، ما هم خود دارای تاریخ و زبان خاص خود هستیم» و به خاطر آن شما را به زندان می‌انداختند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

اگر تشکیل زنجیرهٔ انسانی شما برای خشک شدن دوغان‌چای (که اسمش را زاینده‌رود کرده‌اید)، امنیتی کرده و از چندکیلومتری محل تشکیل زنجیرهٔ انسانی شما را باز می‌گرداندند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

---

اگر به شما می‌گفتند که سوسک و خر و نفهم هستید و پدران‌تان با فرچهٔ توالت، دهان خود را می‌شویند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

اگر کودکان هفت سالهٔ شما را به خاطر اینکه نمی‌توانستند اصوات «Ü»، «Ö» و ... را درست تلفظ کنند، در مدارس سرشان افسار الاغ می‌زدند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

آیا شما فارس‌ها این را قبول می‌کردید؟

اگر به شما می‌گفتند که؛ «همهٔ شما به عنوان شهروندان توران، ترک هستید و چرا به این چسبیده‌اید که خود را به عنوان فارس جدا بدانید، شما حتی می‌توانید اینجا رئیس‌جمهور هم بشوید» این سخنان را به عنوان نشانهٔ عدالت قبول می‌کردید؟ یا آنکه به عنوان شهروندان «برابر» در این کشور، بر قبول هویت فارسی‌تان، بر قبول زبان و فرهنگ‌تان اصرار می‌کردید؟

این کشور دارای شهروندان ترک، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و ... است، اما تاریخ صد سال اخیر به نفع فارس‌ها و در مسیر فارسی آن حرکت کرده است. شما به عنوان «فارس» چیزی را که خودتان قبول ندارید، به دیگران تحمیل کرده‌اید.

🔒 چرا انسان‌هایی که معتقدند رهایی کشور و استقرار دموکراسی تنها از طریق قبول هویت همه ملیت‌های ساکن در ایران محقق می‌گردد، هنگام طرح موضوع از سوی شما به تجزیه طلبی، قوم‌گرایی و نفاق افکنی متهم می‌شوند؟

🔒 دموکراسی یعنی قبول تمام خواسته‌هایی که شما در صورت زندگی در «توران» می‌داشتید و این همان خواسته‌هایی است که امروز از سوی دیگران به زبان می‌آید.

● آیا ارزش آن را دارد که اینهمه اموال کشور خرج گردد و این همه خون ریخته شود برای آنکه چیزی را که برای خود می‌خواهید به انسان‌هایی ندهید که آنها را با خود برابر می‌دانید و کشور را دچار بحران کنید؟

● آیا پذیرش دموکراسی، اینهمه مشکل است؟